قرائت «و رهطک منهم المخلصین» در صحیحین

حال من میخواهم در خصوص این آیه مطلب مهمتری را عرض کنم. آقای احسان ظهیری از فصل الخطاب علیه شیعه مطالبی را بیان میکنند. میگوید ببینید شما قائل به تحریف هستید. و حال اینکه همین آیه که ایشان از فصل الخطاب برای اثبات تحریف میآورد، نفس «وَ رَهْطَکَ منهم الْمُخْلَصِينَ» در صحیح مسلم و بخاری بهعنوان نزول قرآن موجود است. کسی اسمی از آن میبرد؟! همین آیه و این فرمایش امام رضا علیهالسلام شمشیری تیزی در دست آنها علیه شیعه میشود که شما قائل به تحریف هستید. اما اسم نمیبرد که همین آیهای که امام در مجلس مامون فرمودند را بخاری در صحیح خودش آورده و شما آن را تا لی تلو کتاب الله میدانید. آقای مسلم نیشابوری در صحیح مسلم آن را آورده است. خب آن چیست؟ وقتی که حضرت در مجلس مامون مناظره داشتند بخاری حدود هفت- هشت ساله بوده. به نظرم ۱۹۴ تولد بخاری است. یعنی در سال ۲۰۲، هفت-هشت ساله بوده. ۲۵۵ هم وفات او است. با این فاصله چهل سال وقتی صحیح بخاری را نوشته همین فرمایش حضرت را در صحیح بخاری آورده است. البته در شش مورد این آیه را آورده و در پنج موردش به این صورت نیست. در یک مورد به این صورت است.

صحیح مسلم خیلی صاف آن را آورده است. نووي در شرح صحیح مسلم میگوید مسلم این را آورده اما بخاری آن را نیاورده است. ابن حجر[1] میگوید آقای نووی ، بخاری آن را در آن جایی که شما میبینی نیاورده اما در سوره تبت آن را آورده است. یعنی در شش جا که بخاری آورده در پنج موردش این نیست اما در یک جا که آورده این هست؛ «رهطک منهم المخلصین» که در صحیح مسلم هم آمده است.

شاگرد: یعنی تنها نسبت به این آیه شریفه میخواهد در کند ای کلاً میخواهد قرائت عبد الله را کنار بگذارد و میگوید مصحف ابن مسعود اشتباه است؟ احسان ظهیری را میگویم.

استاد: او میگوید شیعه قائل به تحریف هستند اما میگویند قائل نیستیم و تقیه میکنند. در مورد این آیه او حرفی نزده. او فصل مفصلی از کتابش عین عبارات فصل الخطاب است. یعنی حتی یک حرف از تجلیل های بزرگی که مرحوم نوری از علماء شیعه کرده را ننداخته. یک کلمه از آن را حذف نکرده. این از کارهای خوب او بوده. یعنی کسی که کتاب او را میخواند یک کلمه مرحوم نوری را حذف نکرده. مثلاً بگویند چون سنی است تعریف هایی که از عالم خودشان است را من حذف میکنم. ولی چون در فصل الخطاب از این روایات بهعنوان تحریف استفاده شده، او هم میگوید ببینید شیعه به شهادت این روایت در کتاب خودشان قائل به تحریف هستند.

شاگرد: در صحیحین هم آمده.

استاد: در صحیحین هم آمده اما اسمی از آن نمی برند. اگر از آن اسم ببرند آبروی آنها میرود. تمام مطالب اینجا در صفحاي موجود است. آن جا دارم:

> در صحیح مسلم «ورهطک منهم المخلصین» آمده، و نووی در شرح مسلم گفته است که در روایات بخاری نیست، اما ابن حجر گفته: وأغفل كونها موجودة عند البخاري في سورة تبت، یعنی در شش مورد که بخاری نقلکرده است پنج مورد ورهطک منهم المخلصین ندارد ولی در یک مورد دارد، به تعلیقه دکتر مصطفی البغا دقت کنید:
> صحيح البخاري (٦/ ١٧٩)
> ٤٩٧١- حدثنا يوسف بن موسى، حدثنا أبو أسامة، حدثنا الأعمش، حدثنا عمرو بن مرة، عن سعيد بن جبير، عن ابن عباس رضي الله عنهما، قال: لما نزلت: {وأنذر عشيرتك الأقربين} [الشعراء: ٢١٤] ورهطك منهم المخلصين، خرج رسول الله صلى الله عليه وسلم حتى صعد الصفا فهتف: «يا صباحاه» فقالوا: من هذا؟، فاجتمعوا إليه، فقال: «أرأيتم إن أخبرتكم أن خيلا تخرج من سفح هذا الجبل، أكنتم مصدقي؟» قالوا: ما جربنا عليك كذبا، قال: «فإني نذير لكم بين يدي عذاب شديد» قال أبو لهب: تبا لك، ما جمعتنا إلا لهذا؟ ثم قام، فنزلت: {تبت يدا [ص:١٨٠] أبي لهب وتب} [المسد: ١] وقد تب، هكذا قرأها الأعمش يومئذ
> [تعليق مصطفى البغا]
> ٤٦٨٧ (٤/١٩٠٢) -[ش (ورهطك منهم المخلصين) تفسير لقوله {وأنذر عشيرتك الأقربين} وهي قراءة شاذة وقيل كانت قراءة ثم نسخت. (هكذا قرأها) أي زاد وقد تب]

تعلیقه دکتر مصطفی را نگاه کنید. به نظرم ایشان سوری است. تعلیقات مفصلی بر صحیح بخاری دارند. ایشان میگویند «و رهطک منهم المخلصین» در قرآن نیست. لذا می گوید تفسیر «و انذر عشیرتک الاقربین» است. «نزلت» یعنی تفسیر؟! خب اینها کارشان این است. من همیشه عرض میکنم که تعبیر عین هم است اما برای آنها میشود مخمل نرم اما نسبت به شیعه میشود شمشیر تیز بر علیه شیعه. همین حدیث «رهطک منهم المخلصین» برای آنها مشکلی ایجاد نمیکند. چرا نمیکند؟! اگر شما فضای بحث را درست باز کنید همه اینها مشترک میشود. وقتی یک دلیلی بتمامه بین منابع مهم شیعه و سنی مشترک است، چطور میشود این دلیل برای شیعه تحریف میشود اما برای شما مخمل نرم میشود؟! اصلاً چنین چیزی ممکن نیست.

شاگرد: آنها خودشان کتابی مانند فصل الخطاب ندارند؟

استاد: به این صورت اخیراً یک مصری نوشته که آن هم حالت دینی ندارد. یعنی تقریباً مثل سائر کتابهایی است که مستشرقین مینویسند است. و الا خود آنها در فضای خودشان ندارند. مرحوم نوری از اجلاء علماء هستند و نزد همه محترم هستند. اما یک عالمی که نزد آنها محترم باشد و اینطور بنویسند، نیست. اگر یادتان باشد چند سال پیش در کانال «قناة المستقلة» در لندن مناظرهای شد. حدود بیست سال است. در آن جا یک ماه مبارک مناظره کردند و آخرش هم میخواستند به مباهله ختم کنند. در یکی از جلسات که صحبت تحریف بود، عثمان خمیس -که مفتی کویت بود- و بلوشی، سنی بودند. بلوشی به این صورت تأکید میکرد. آقایانی که مقابل او بودند از صحیح مسلم روایتی نظیر آن میآوردند. او به این صورت تأکید میکرد و مفر او بود. میگفت از روایت بحث نکنید. روایت سند دارد و باید بحث کنیم. تو یک عالم سنی بیاور که به این قائل باشد. روی این تأکید میکرد. خب آنها که چیزی نگفتند ما هم می گفتیم پس شاید کسی نیست. اما الآن اگر ما مناظره کردیم اگر دهن باز کند، ده مورد برایش میآوریم.

شاگرد : یعنی قائل دارند؟!

استاد : بله آنها مفصل دارند. آن وقت متأسفانه نمی دانستیم الآن با این مباحثه پنج-شش سال ما بحمد الله، اگر دهن باز کنند ده عالم سنی میآوریم. من این حرف البانی[2] را در جاهای مختلف فدکیه گذاشتهام. چون خیلی مهم است. البانی بزرگترین محدث و متخصصی است که برندهٔ بزرگترین جایزهٔ عالمی حدیث است. در سلسلة الاحادیث الصحیحه میگوید من تعبیری برای سبعة احرف بهتر از بیان طبری ندارم. بهترین بیان در عالم اسلام است. حتماً مراجعه کن و ببین.

بیان طبری چیست؟ ما در اینجا مفصل صحبت کردیم. صریحاً میگوید شش مورد از احرفی که خدا نازل کرده بین مسلمانان نیست. عثمان برای ارفاق در حق امت شش مورد از آنها را برداشت. مکی بن ابیطالب[3] هم گفت علماء اختلاف کردند که «هل یمکن النسخ بالاجماع؟»؛ یعنی امت بر نسخ یک چیزی اجماع کنند. اینها خیلی جالب است. قبلاً مفصل از اینها بحث کردیم.

داشتیم تعلیقهٔ دکتر مصطفی بغا را میخواندیم. **«(وربطك منهم المخلصين) تفسير لقوله {وأنذر عشيرتك الأقربين} أو»**؛ این «او» خوب است. **«او هي قراءة شاذة وقيل»**؛ نووی میگوید:**«كانت قراءة ثم نسخت»**؛ چطور ابن عباس به منسوخ میگوید «لما نزلت»؟! اگر نسخ شده باشد که دیگر وجهی ندارد که «لما نزلت» بگوید. حال من عباراتی را آوردهام شما آنها را نگاه کنید. محمد فواد عبد الباقی، تعلیقه زن بر صحیح مسلم است. برای او جالبتر است.

> [شرح محمد فؤاد عبد الباقي]
> [ش (وربطك منهم المخلصين) قال الإمام النووي الظاهر أن هذا كان قرآنا أنزل ثم نسخت تلاوته ولم تقع هذه الزيادة في رواياتالبخاري (بسفح) سفح الجبل هو أسفله وقيل عرضه (تبت يدا أبي لهب) قال الراغب التب والتباب الاستمرار في الخسران وتبت يدا أبي لهب أي استمرت في خسرانه (تب) قال النووي معنى تب خسر (كذا قرأ الأعمش) معناه أن الأعمش زاد لفظه قد بخلاف القراءة المشهورة]

«[ش (وربطك منهم المخلصين) قال الإمام النووي الظاهر أن هذا كان قرآنا أنزل ثم نسخت تلاوته ولم تقع هذه الزيادة في رواياتالبخاري»؛ که عرض کردیم در بخاری هم آمده.

حال برگردیم. آن چیزی که میخواهم عرض کنم این یک کلمه است. این کلمه خیلی مهم است. قدر آن را بدانید و دنبالهٔ آن را بگیرید. زمانیکه امام رضا علیهاالسلام در مجلس مامون این را فرمودند ذهنیت همه مسلمانان در یک قرائتی که مخالف مصحف عثمان باشد مستنکر نبود. و الا حضرت تقیه میکردند. چرا مستنکر نبود؟ این صحیح بخاری و مسلم است. یعنی عین عبارت امام علیهاالسلام را با فاصلهٔ چهل-پنجاه سال بعد از امام، در صحیح ترین کتب اهلسنت آوردهاند. اگر چیز مستنکری بود بخاری جرات نمی کرد آن را بیاورد. مسلم جرات نمی کرد بیاورد. به آنها حمله میکردند که این چه چیزی است که بهعنوان صحیح علیهٔ مصحف عثمان میآوری؟! اینها نکات خیلی مهمی است. ابن مجاهد اینها را عوض کرد. یعنی الآن او میگوید قرائت شاذه، ما میگوییم آقای دکتر مصطفی در آن زمان که شاذه نبود. تو میگویی شاذ است. تو که الآن میگویی شاذ است بهخاطر کار ابن مجاهد است. ابن مجاهد با نوشتن السبع و کوبیدن قرائات سبع همه را شاذ کرد، لذا تو هم میگویی شاذ است. درحالیکه در آن زمان شاذ نبود. اگر شاذ بود بخاری جرات نمی کرد در صحیحش بیاورد، در صحیح ترین کتاب نمی توانست مخالف روش مصحف عثمان را بیاورد .

البته در فدکیه یک عنوان هست، قرائات مخالف مصحف عثمان در صحیحین بخاری و مسلم. فقط یک مورد نیست. متعدد است که آنها را آوردهام. تا آن جایی که ممکن بود جمع کردهام. خیلی مطلب مهمی برای آنها است. شما در صحیح ترین کتابتان قرائاتی را دارید که بخاری آورده و مخالف مصحف است. پس این دارد ذهنیت و فضای عموم و خصوص، علم و عوام مردم را در قرن سوم بازسازی میکند. از سال دویست که امام علیهالسلام فرمودند تا سیصد که طبری تفسیر نوشت، اصلا مستنکر نبود. این هم نکته دوم برای این حدیث شریف. بقیه اش را ان شاء الله خودتان پی بگیرید .

---

[1]فدکیه؛ وأغفل كونها موجودة عند البخاري في سورة تبت

[2] سلسلة الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها (٦/ ١٦٤)

وفي ذلك بيان أن المراد بالسبعة أحرف سبع لغات في حرف واحد وكلمة واحدة باختلاف الألفاظ واتفاق المعاني، كما شرحه وبينه بيانا شافيا الإمام الطبري في مقدمة تفسيره، كما أوضح أن الأمة ثبتت على حرف واحد دون سائر الأحرف السبعة الباقية، وأنه ليس هناك نسخ ولا ضياع، وأن القراءة اليوم على المصحف الذي كان عثمان رضي الله عنه جمع الناس عليه، في كلام رصين متين، فراجعه، فإنه مفيد جدا.

[3]الإبانة عن معاني القراءات (ص: ٤٢)؛ فحصل من جميع ما ذكرنا وبيانا:أن الذي في أيدينا من القرآن، وما في مصحف عثمان الذي أجمع المسلمون عليه، وأخذناه بإجماع يقطع على صحة مغيبه وصدقه.والذي في أيدينا من القرآن وما وافق خط ذلك المصحف من القراءات، التي نزل بها القرآن، فهو من الإجماع أيضا.وسقط العمل بالقراءات التي تخالف خط المصحف، فكأنها منسوخة بالإجماع على خط المصحف.والنسخ للقرآن بالإجماع فيه اختلاف، فلذلك تمادى بعض الناس على القراءة بما يخالف خط المصحف "مما" ثبت نقله، وليس ذلك بجيد، ولا بصواب؛ لأن فيه مخالفة الجماعة، وفيه أخذ القرآن بأخبار الآحاد، وذلك غير جائز عند أحد من الناس.وهذا الباب يتسع الكلام فيه، وفيما أشرنا إليه كفاية لمن فهمه.

بازبینی #4
ایجاد شده 19 مارس 2024 11:33:20 ظهر ... .
به روزرسانی شده 11 مه 2024 15:04:04 ظهر ... .